

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Process Oriented Model of Residential- Housing Congruence
(Case Study: Contemporary Housing in Yazd)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین مدل فرایندمحور سازگاری ساکن و مسکن (مطالعه موردی: مسکن معاصر یزد)

الهام فلاح*

استادیار گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

چکیده

بیان مسئله: سازگاری میان نیازهای انسان و محیط ساخته شده از فاکتورهای بسیار مهم در ارزیابی محیط زندگی مطلوب است؛ به همین دلیل پژوهش‌های بسیاری مفهوم سازگاری را مورد توجه قرار داده‌اند. با وجود مطالعات بسیاری که انجام شده است، همچنان مدل نظری کاربردی برای مطالعه فرایند سازگاری در رابطه میان ساکن و مسکن وجود ندارد. بسیاری از پژوهش‌ها سازگاری را به‌عنوان برآیند و هدف یک رابطه می‌دانند و بر نتایج سازگاری و عدم سازگاری ساکن و مسکن متمرکز شده‌اند؛ اما فرایند سازگاری ساکن و مسکن موضوعی است که در پژوهش‌ها کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. **هدف پژوهش:** پژوهش حاضر با طرح این سؤال که شیوه سازگاری انسان یزدی با مسکن معاصر چگونه است، در پی ارائه یک مدل نظری فرایندمحور برای مطالعه شیوه سازگاری ساکن و مسکن است. **روش پژوهش:** رویکرد و راهبرد اصلی پژوهش کیفی است و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد در مسکن میانی، افراد شیوه‌های فعال‌تری را برای ایجاد سازگاری میان خود و مسکن انتخاب می‌کنند، آن‌ها در مسکن دخل و تصرف می‌کنند یا رفتار خود در فضا و نحوه استفاده از فضاها را تغییر می‌دهند؛ اما در مسکن جدید ساکنین دخل و تصرف بسیار محدودی در مسکن انجام می‌دهند و به دلیل این که همین تقلای محدود نیز از جانب فضا بی‌پاسخ می‌ماند نسبت به فضا بی‌توجه می‌شوند و در صورتی که محدودیتی وجود نداشته باشد، از مسکن خود نقل مکان می‌کنند. تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد، علاوه بر سه عامل مهم بستر، نیازهای ساکنین و قابلیت‌های مسکن؛ سن و نسل ساکنین، مشارکت در فرایند ساخت، الگوی مسکن، مدت زمان اقامت در مسکن، خاطرات و روابط با همسایگان بر شیوه سازگاری ساکن و مسکن تأثیر بسیار دارد. **واژگان کلیدی:** ساکن، مسکن، سازگاری، یزد، فرایندمحور، مدل نظری.

مقدمه

میان انسان و محیط را مورد مطالعه قرار داده‌اند و آن را از عوامل تأثیرگذار بر دستیابی به محیط زندگی مطلوب و زمینه‌ای برای ایجاد رضایت از محیط می‌دانند (Shin, 2016; Musiol & Boehnke, 2013; Ann Lodi & Raedene Combs, 1989; Mridha, 2015). مطالعه پژوهش‌های انجام شده در زمینه سازگاری نشان می‌دهد، با وجود آن که مفهوم سازگاری به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در بسیاری از پژوهش‌ها مورد بررسی قرار

سازگاری میان انسان و محیط ساخته شده از فاکتورهای بسیار مهم در ارزیابی محیط زندگی مطلوب است؛ زمانی که یک سازگاری بهینه بین محیط و نیازهای افراد برقرار باشد، آن‌ها محیط خود را رضایت‌بخش و نیروبخش می‌دانند زیرا برای رفتارهای خود پاسخ‌های تقویت‌بخش از محیط دریافت می‌کنند. پژوهش‌های بسیاری سازگاری

* ۰۹۱۲۸۳۰۷۳۲۶، elhamfallah@ut.ac.ir

برده‌اند (Kahana, 1982; Moore, 2005; Kahana, 1982) بسیاری از پژوهش‌ها نیز راه‌کارهایی که افراد برای سازگار شدن با محیط انجام می‌دهند را مورد بررسی قرار داده‌اند. (Lien, 2013; Lawton & Nahemow, 1973) (Brown & Moore, 1970; Baum & Hassan, 1999, 27; Helderman, Mulder, Clara & Ham, 2004; Ferreira, Gyourko & Tracy, 2010; Pickvance, 1973; Angell, 1984; Parrott, 1985; Ann Lodi & Raedene Combs, 1989; Crull, Bode & Morris, 1991, 57; Steggell et al., 2003, 8). در بسیاری از پژوهش‌های اخیر مفهوم سازگاری در تعامل ساکن و مسکن مورد توجه قرار گرفته است (Omar, Endut & Saruwono, 2012, 329; Priemus, 1986; Crull et al., 1991; Marchand, 2008; Crull et al., 1991, 57; Baum & Hassan, 1999, 27) و پژوهش‌های محدودی نیز در این زمینه چرخه زندگی خانواده و ارتباط آن را با مسکن مورد مطالعه قرار داده‌اند (Riemer, 1943; Morris & Winter, 1975).

در روان‌شناسی سازگاری به معنای هماهنگی و تطابق مناسب میان نیازها و اولویت‌های یک شخص و داده‌های محیط است (Spokane, Meir & Catalano, 2000, 139). که تاینسلی آن را ارتباط مناسب میان عرضه و تقاضا معرفی می‌کند. در حوزه روان‌شناسی رفتارهای سازگاری به گروهی از رفتارهای شناختی اشاره دارد که برای مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا از آن‌ها استفاده می‌شود (Campbell-Sills, Cohan & Stein, 2005; Tinsley, 2000). بنا به تعریفی دیگر رفتارهای سازگاری مجموعه کنش‌ها و رفتارهایی است که فرد در موقعیت‌ها و شرایط جدید به‌منظور ارائه پاسخ‌های مناسب به محرک‌های موجود از خود بروز می‌دهد البته این سازگاری به معنای هم‌رنگی و پیروی ناهشیار نیست بلکه می‌تواند دگرگونی را نیز به همراه داشته باشد (Amani, Etemadi, Fatehizadeh & Bahrami, 2012, 16). در رابطه میان انسان و محیط ساخته‌شده، مور سازگاری را میزان هماهنگ‌بودن نیازهای انسان با قابلیت‌های محیط می‌داند (Moore, 2005, 331). در مورد فضای سکونی، فستینگر معتقد است، ساکنان در تلاش هستند که به بیش‌ترین سطح سازگاری میان آن‌چه که از فضای سکونت در ذهن خود ساخته‌اند (محیط آرمانی) و فضای سکونت واقعی (محیط اصلی) دست یابند (Festinger, 1962). به‌صورت کلی در پژوهش‌هایی که موضوع سازگاری را مورد توجه قرار داده‌اند با دو نوع رویکرد عمده مواجه می‌شویم (جدول ۱):

۱. برخی سازگاری را از جنس برآیند یک رابطه می‌دانند.
۲. برخی آن را از جنس فرآیند یک رابطه تلقی می‌کنند.

گرفته است اما هم‌چنان مدل نظری کاربردی برای تبیین فرآیند سازگاری در رابطه میان ساکن و مسکن وجود ندارد. بسیاری از پژوهش‌ها سازگاری را به‌عنوان برآیند و هدف یک رابطه می‌دانند و بر نتایج سازگاری و عدم سازگاری ساکن و مسکن متمرکز شده‌اند؛ اما استراتژی‌هایی که در فرآیند ایجاد سازگاری از سوی ساکنین به کار گرفته می‌شود موضوعی است که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. در پژوهش حاضر با تکیه بر تئوری‌هایی در حوزه روان‌شناسی محیطی و علوم اجتماعی و با ارتباط برقرار کردن میان ادبیات مرتبط با سازگاری انسان و محیط یک مدلی نظری فرآیندمحور برای مطالعه سازگاری میان ساکن و مسکن ارائه شده است. این مدل سازگاری را در ادامه شناخت محیط و در یک فرآیند چرخه‌ای و بی‌پایان بیان می‌کند. در ادامه براساس مدل ارائه‌شده، شیوه سازگاری انسان یزدی و مسکن معاصر مورد مطالعه قرار گرفته است. بنابراین متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی ثابت است و در یک بازه زمانی استراتژی‌های سازگاری ساکن و مسکن در دو الگوی غالب مسکن معاصر یزد مورد ارزیابی قرار گرفته است. ضرورت پرداختن به موضوع سازگاری در مسکن معاصر یزد به این دلیل است که مسکن سنتی این شهر با توجه به فناوری‌های موجود در آن زمان و براساس نیازهای انسان سنتی و با نظارت مستقیم آن‌ها ساخته می‌شده است و با تغییر نیازهای ساکنین در چرخه زندگی، توسط خود آن‌ها تغییر می‌کرده است، اما از دوره پهلوی که دگرگونی شهرها براساس یک تفکر بیرونی در دستور کار دولت قرار گرفته، سرعت تحولات کالبدی بسیار سریع‌تر از تحولات اندیشه و شیوه زندگی مردم بوده است؛ از آن زمان میان نیازهای ساکن و قابلیت‌های مسکن فاصله بسیاری ایجاد شده و تقلا برای حفظ و ایجاد سازگاری توسط ساکنین موضوعیت یافته است.

پرسش اصلی پژوهش

- سازگاری ساکن و مسکن معاصر یزد (الگوی مسکن میانی و جدید) چگونه صورت می‌پذیرد؟
- عوامل تأثیرگذار بر استراتژی‌های سازگاری در مسکن معاصر یزد چیست؟
- فرآیند سازگاری چگونه است و چه عواملی بر آن تأثیر می‌گذارد؟

پیشینه پژوهش

مفهوم سازگاری در بسیاری از پژوهش‌ها معادل با مفاهیم دیگری مانند شخصی‌سازی فضا و رنگ تعلق فضا به کار رفته است: (Jusan & Sulaiman, 2005; Jusan, 2010; Proshansky, 1983; Fabian, & Kaminoff, 1983). برخی آن را در مورد تعامل افراد با توانمندی‌های محدود مانند سالمندان با محیط به کار

تا حدی تغییر می‌دهند (Kahana, 1982, 100-101). علاوه بر ویژگی‌های محیط ساخته‌شده و کاربر (جنسیت، ویژگی‌های فردی، تمایلات شخصی، قدرت و یا ضعف کاربر) (Winkel, Saegert & Evans, 2009, 321). عوامل بیرونی بسیاری نیز بر این رابطه تأثیر می‌گذارند (شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) اما چارچوب نظری جامعی که بتواند استراتژی‌های سازگاری و عوامل تأثیرگذار بر آن را هرکدام در جایگاه خود معرفی کند وجود ندارد.

سازگاری، نتیجه تعامل انسان و محیط نیست بلکه فرایند آن است؛ و شناخت این فرایند زمینه شناخت نیازهای فضایی کاربر در الگوهای مسکن را ایجاد می‌کند.

پژوهش حاضر سازگاری را از جنس فرایند یک رابطه می‌داند و آن را در ارتباط میان ساکن و مسکن مورد مطالعه قرار داده است بنابراین تعریف زیر از سازگاری مبنای پژوهش قرار گرفته است: سازگاری ساکن و مسکن کنش‌ها و واکنش‌هایی است که فرد پس از شناخت محیط انجام می‌دهد تا بتواند نیازهای خود را با قابلیت‌های مسکن و یا قابلیت‌های مسکن را با نیازهای خود هماهنگ سازد.

چارچوب نظری فرایندمحور از سازگاری میان ساکن و مسکن

• استراتژی‌های سازگاری

پژوهش‌های مختلف در زمینه رفتار افراد برای ایجاد سازگاری با مسکن نشان می‌دهد که سازگاری میان ساکن و مسکن می‌تواند در دو سطح صورت بگیرد: یکی در سطح عوامل فیزیکی و مادی مسکن و دیگری در سطوح انتزاعی‌تر و کیفی‌تر مانند ویژگی‌های اشخاص و رفتارهای خانواده (Riemer, 1943, 277). در این راستا دو رفتار عمده‌ای که ساکنین برای سازگار شدن با محیط انجام می‌دهند، ۱- تطبیق مسکن با نیازهای خود است که بیش‌تر در سطح عوامل فیزیکی قرار دارد و ۲- تطبیق خود با مسکن است که در سطوح انتزاعی‌تر قرار دارد.

تطبیق مسکن با نیازهای خود: دخل و تصرف در فضا (Omar et al., 2012; Galster & Hesser, 1981; Steggell et al., 2003; Fleury-bahi et al., 2008; Brown & Moore, 1970; Shin, 2016) یا ترک محیط و نقل مکان (Omar et al., 2012, 329; Galster & Hesser, 1981; Steggell et al., 2003; Fleury-bahi et al., 2008; Rossi, 1955; Brown & Moore, 1970; Shin, 2016; Eichner, 1986) تطبیق نیازهای خود با مسکن: تغییر رفتارها (Spokane et al., 2000; Omar et al., 2012; Galster & Hesser, 1981; Shin, 2016). تغییر در ساختار خانواده، نیازها، ارزش‌ها و اولویت‌ها (Steggell et al., 2003).

در رویکرد اول پژوهشگران بر نتایج سازگاری کاربر با محیط متمرکز شده‌اند. برای مثال فرنچ، راجرز و کوب سازگاری را هماهنگی مطلوب میان نیازهای انسان و قابلیت‌های محیط می‌دانند (French, Rodgers & Cobb, 1974; Kahana, 1982, 99). جوسان سازگاری را برآیند مثبت رابطه انسان و محیط می‌داند و معتقد است که در مورد فضاهای مسکونی زمانی که مسکن بتواند نیازهای اصلی ساکنین را تأمین کند سازگاری برقرار است و عدم تأمین این سازگاری منجر به فشارهای روان‌شناختی می‌شود (Jusan, 2010). لینچ سازگاری را به‌عنوان هماهنگی بین خصوصیات شکل فیزیکی یک محیط با ویژگی فعالیت‌های درون آن محیط تعریف می‌کند (بحرینی، ۱۳۹۱). پوپنو نیز در پژوهش خود سازگاری را رابطه مطلوب میان محیط و الگوهای رفتاری انسان می‌داند (Popenoe, 1977).

در رویکرد دوم پژوهشگران بر روی رفتارهایی که کاربر در فرایند رابطه خود با فضای ساخته‌شده برای ایجاد هماهنگی میان نیازهای خود و قابلیت‌های فضا انجام می‌دهد متمرکز شده‌اند برای مثال آن و رایدن در پژوهش خود واژه تطبیق مسکن را معادل رفتارهای سازگاری به‌کار برده‌اند آن‌ها، تطبیق مسکن را رفتارهایی می‌دانند که برای تأمین بهتر نیازها در مسکن صورت می‌گیرد و هدف آن دستیابی به مسکن مطلوب‌تر است (Ann Lodi & Raedene Combs, 1989, 13). موریس و وینتر در زمینه رابطه بین خانواده و مسکن سازگاری را تعریف کرده‌اند آن‌ها معتقدند رفتارهایی که خانواده در طول عمر خود انجام می‌دهد تا همواره بتواند نیازهای خود را از مسکن تأمین کند سازگاری نامیده می‌شود (Morris & Winter, 1975, 79). شین نیز در پژوهش خود سازگاری را در فرایند بهینه‌سازی رابطه انسان و فضا مورد مطالعه قرار داده و آن را یک چرخه بی‌پایان می‌داند (Shin, 2016, 16). مطالعه پژوهش‌های موجود در زمینه سازگاری نشان می‌دهد با وجود این‌که در سال‌های اخیر مطالعات فراوان و اثربخشی در این حوزه انجام شده است اما سه مورد زیر هم‌چنان مغفول مانده است:

- با وجود تعاریف متعددی که از سازگاری ارائه شده است هنوز در معماری تعریف کاربردی که براساس آن بتوان پژوهش‌های این حوزه را پایه‌گذاری کرد وجود ندارد.

- سازگاری انسان و محیط تابعی از محیط فیزیکی و روان‌شناختی و محصول شرایط و تجربیات گذشته و آینده فرد است. رفتارهای انسان‌ها هم از نیاز آن‌ها نشأت می‌گیرد و هم از ویژگی‌های محیط، علاوه بر آن افراد مختلف بر یکدیگر تأثیر گذاشته و جهت رفتار یکدیگر را

جدول ۱. واژه‌های معادل سازگاری (Congruence) در پژوهش‌های مختلف. مأخذ: نگارنده.

واژه‌های معادل سازگاری (Congruence) در پژوهش‌های مختلف

	Jusan (2010) Moore (2005) Gati, Fassa & Mayer (1998) Tinsley (2000) Holland (1997) Lynch (1981)	Fit
پژوهشگرانی که سازگاری را در برآیند رابطه ساکن و مسکن مطالعه کرده‌اند.	Jusan (2010) Popenoc (1977) Tinsley (2000) Spokane et al. (2000)	Congruence
	French et al. (1974)	Adjustment
	Tinsley (2000)	Correspondence
	Spokane et al. (2000) Holland (1997)	Congruence
	Altaş & Özsoy (1998) Priemus (1986)	Adaptation
	Ann Lodi & Raedene Combs (1989) Baum & Hassan (1999) Morris & Winter (1975)	Adjustment
پژوهشگرانی که سازگاری را در فرایند رابطه ساکن و مسکن مطالعه کرده‌اند.	Omar et al. (2012)	Personalization
	Lawton & Nahemow (1973)	fit
	Kahana (1982)	Congruence

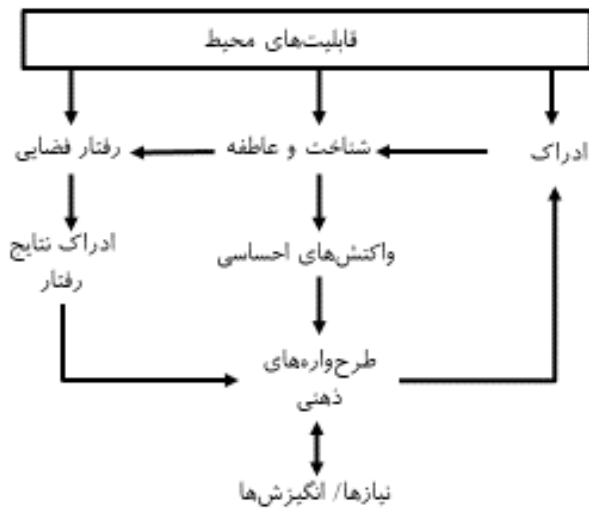
از آن به‌عنوان مرحله شناخت مقوله‌های تحلیل محیط نام برده می‌شود فرد به‌دنبال تجربیات گذشته و یا آموزش موارد جدید برای ارتباط برقرار کردن با محیط است علاوه بر آن به مقوله‌بندی و شناخت جنبه‌های مختلف محیط می‌پردازد برای مثال متوجه می‌شود که نورگیری خانه در کدام اتاق بهتر است و کدام اتاق سکوت بیشتری دارد. در مرحله چهارم کاربر پس از مقوله‌بندی موارد مرتبط با محیط آن‌ها را در ساختارهای پیچیده‌تر قرار می‌دهد و ارتباط عوامل مختلف را با یکدیگر پیدا می‌کند. در این مرحله می‌تواند بازخورد رفتارهای خود را در محیط پیش‌بینی کند. پس از این مرحله کاربر به انسجام کلی در مورد فضا و شناخت محیط دست می‌یابد و احساس تسلط بر محیط پیدا می‌کند. (Ittelson, Proshansky, Rivlin, 1974, 96-98; Wicker, 1984, 60-61)؛ اگر کاربر با شناخت محیط متوجه شود که میان نیازهایش و قابلیت‌های فضا فاصله است شروع به ایجاد سازگاری میان نیازها خود و قابلیت‌های محیط می‌کند (Proshansky et al., 1983, 69). در زمینه تعامل انسان و محیط جان لنگ نیز مدل فرایندهای بنیادین رفتار انسان را مطرح می‌کند (عینی‌فر، ۱۳۹۵). براساس این مدل در فرایند تعامل میان انسان و محیط، اطلاعات محیط از طریق فرایندهای ادراکی به دست می‌آید

8) تطبیق تصویر ذهنی و محیط آرمانی خود با محیط (Brown & Moore, 1970; Fleury-bahi et al., 2008)، تغییر شیوه استفاده از فضاها^۱ (Priemus, 1986, 41) تطبیق هنجارهای خانواده با مسکن (Shin, 2016, 16).

• استراتژی‌های سازگاری در فرایند تعامل انسان و محیط

ویکر و ایتلسون فرایند تعامل انسان و محیط را مرحله به مرحله توضیح داده‌اند. در این فرایند جایگاه رفتارهای سازگاری پس از مرحله شناخت قرار دارد. خلاصه این فرایند بدین صورت است: در مرحله اول ارتباط با محیط، افراد در برابر محیط عکس‌العمل‌های عاطفی^۲ دارند و این عکس‌العمل‌ها وابسته به میزان رضایتی است که محیط برای آن‌ها تأمین می‌کند. برای مثال محیط را به‌صورت کلی دل‌پذیر می‌بینند یا احساس ناخوشایندی نسبت به آن دارند. در این مرحله آن‌ها از خود می‌پرسد که آیا محیط با نیازهای من هماهنگ است یا نه. در مرحله دوم فرد جهت مشخص کردن موقعیت فیزیکی خود، شروع به کندوکاو در محیط و آشنایی با اجزای مختلف آن می‌کند برای مثال محل انبار مواد غذایی، محل استراحت و خواب و ... در این مرحله، فرد از خود می‌پرسد چگونه می‌توان با محیط سازگار شد. در مرحله سوم که

فرایند تعامل انسان و محیط



تصویر ۱. فرایندهای بنیادین رفتار انسان جان لنگ. مأخذ: عینی‌فر، ۱۳۹۵.

شکل سازگاری و یا انتخاب هر یک از رفتارهای سازگاری نیز تحت‌تأثیر این عوامل در هر جامعه متفاوت است. زمان نیز در این رابطه عامل مهمی است. وقتی زمان وارد رابطه ساکن و مسکن می‌شود ناپایداری بودن این رابطه خود را نشان می‌دهد زیرا به محض ایجاد سازگاری با تغییر الگوهای مسکن، نیازهای ساکن و شرایط بستر در طول زمان دوباره این سازگاری از بین می‌رود و تلاش برای ایجاد سازگاری آغاز می‌شود.

مطالعه موردی

این مطالعه در شهر یزد، یکی از شهرهای مرکزی ایران، انجام شده است. شهر یزد نمونه برجسته از شهرهایی است که ساختار اجتماعی، فرهنگی و کالبدی آن علی‌رغم تغییرات عمده اواخر دههٔ چهل به بعد، می‌تواند روشنگر ترکیب فضایی یک شهر سنتی ایرانی در دورهٔ اسلامی باشد (Tavassoli, 2022). این موضوع از مهم‌ترین دلایل انتخاب شهر یزد برای پژوهش حاضر است. در این شهر با وجود ساخت الگوهای متفاوت مسکن در دوره‌های مختلف زمانی، امروزه غالب الگوها پابرجا هستند و زندگی در آنها جریان دارد. این قابلیت‌ها در پژوهش حاضر، امکان مقایسه تطبیقی در زمینهٔ موضوع مورد نظر را فراهم آورده است. مطالعات حاضر میان ساکنین یزدی و دو الگوی عمدهٔ مسکن معاصر یزد انجام شده است. ساکنین در سه نسل مورد توجه قرار گرفته‌اند: خانواده‌های سالمند (پدربزرگ و مادربزرگ) با ردهٔ سنی بالای ۶۰ سال، خانواده‌های میان‌سال (پدرها و

که به‌وسیلهٔ طرح‌واره‌های ذهنی برانگیخته شده و توسط نیازهای انسان هدایت می‌شوند. طرح‌واره‌های ذهنی اطلاعات را گرفته و تحت‌تأثیر اطلاعات به‌دست‌آمده تغییر می‌کنند. این طرح‌واره‌ها فرایندهای ادراکی و واکنش‌های احساسی و اعمال و رفتار فضایی را نیز هدایت می‌کنند و در مقابل، فرایندهای ادراکی و واکنش‌های احساسی نیز طرح‌واره‌های ذهنی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (Ittelson, Proshansky, Rivlin & Winkel, 1974, 105). فرایند تعامل انسان و محیط از یک سمت توسط نیازهای انسان و از سمت دیگر توسط قابلیت‌های محیط کنترل می‌شود. عواملی نیز از خارج از رابطهٔ انسان و محیط بر فرایند تعامل انسان و محیط تأثیر می‌گذارند این عوامل، ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه هستند که از یک‌سو بر کاربر و نیازهای او و از سوی دیگر بر درک او از قابلیت‌های محیط تأثیر می‌گذارند. در مدل لنگ بیان می‌شود که انسان پس از شناخت محیط به رفتار فضایی می‌پردازد اگر انسان بعد از شناخت محیط آن را متناسب با نیازها و خواسته‌های خود نبیند این رفتار فضایی در واقع به‌کارگیری استراتژی‌هایی برای ایجاد سازگاری خواهد بود (تصویر ۱).

انطباق استراتژی‌های سازگاری بر نمودار فرایند بنیادین رفتار انسان لنگ این مدل را تکمیل کرده و مدل فرایندمحور سازگاری ساکن و مسکن را شکل می‌دهد (تصویر ۲).

• انطباق مسکن با ساکن

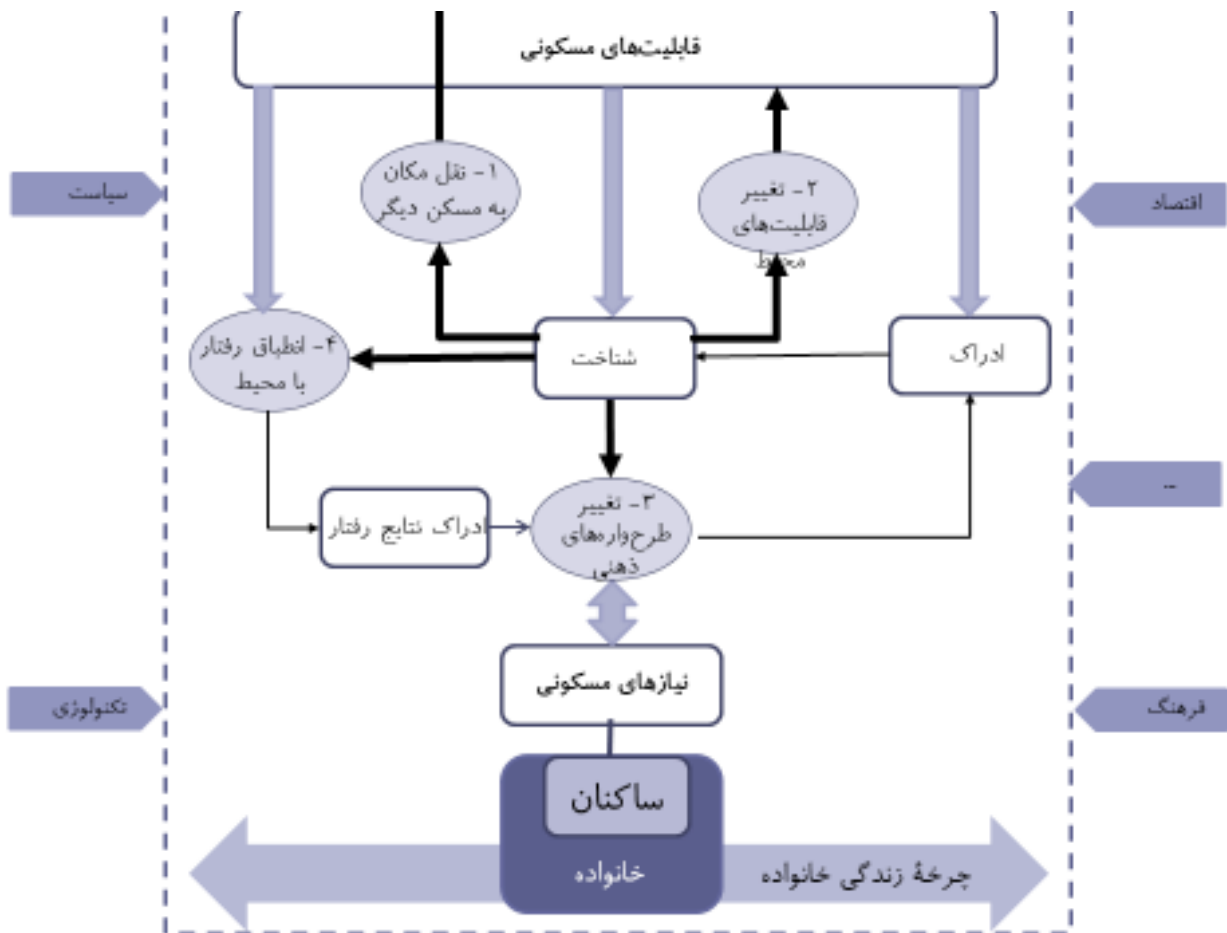
از مسکن نقل مکان می‌کند، مسکن دیگری انتخاب می‌کند و فرایند تعامل ساکن با مسکن جدید آغاز می‌شود. قابلیت‌های محیط را تغییر می‌دهد. در این حالت نیز دوباره قابلیت‌های جدید در اختیار ساکنین گذاشته می‌شود و فرایند ادامه می‌یابد.

• انطباق ساکن با مسکن

امکان دارد ساکن به دلیل محدودیت‌هایی که در ایجاد تغییر و تحول فضا وجود دارد تصمیم بگیرد نیازها و هنجارهای خانواده را تغییر دهد. در این حالت با شناخت محیط جدید، طرح‌واره‌ای در ذهن شکل می‌دهد و طرح‌واره‌های قبلی تغییر می‌کنند و حتی امکان دارد ساکن، نیازهای خود را براساس طرح‌واره‌های تغییر یافته تغییر دهد.

ساکن پس از شناخت محیط سعی می‌کند رفتار خود را با قابلیت‌های فضا تطبیق کند. در این حالت همین رفتارها تجارب جدیدی را شکل می‌دهند و منجر به ساخت طرح‌واره‌های جدیدی در ذهن می‌شوند.

چنان‌که در فرایند تعامل انسان و محیط بیان شد عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در خارج از این رابطه، قابلیت‌های محیط و نیازهای کاربر و درک قابلیت‌های محیط از جانب کاربر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند؛ بنابراین



تصویر ۲. سازگاری ساکن و مسکن در طول چرخه زندگی خانواده. مأخذ: نگارنده.

یک فضای مرکزی برای کاربران منجر به شکل‌گیری هال مرکزی شد (فضای بسته مرکزی که به همه اتاق‌ها ارتباط داشت) و نیاز به نورگیری و حضور گیاه در دل خانه، پاسیو را در کنار هال مرکزی جای داد. در این خانه‌ها اتاق L مهم‌ترین اتاق خانه است که فضای پذیرایی از مهمان است و با حیاط و هال مرکزی ارتباط دارد. حیاط خلوت در کنار آشپزخانه و در انتهای زمین قرار دارد و وظیفه نورگیری و خدمات‌دهی به آشپزخانه را بر عهده دارد و حیاط اصلی چنان‌که بیان شد در یک سمت زمین قرار گرفته است و از طریق یک جداره با ملک همسایه و یا کوچه در ارتباط است. در نمونه‌های اخیر این الگو که امروزه هم‌چنان ساخته می‌شود، نورگیرها جای حیاط خلوت را گرفته است و پاسیوها حذف شده‌اند. در این الگوها پارکینگ در زیر ساختمان قرار دارد و برای کم‌شدن مسیر رمپ کرسی ساختمان را تا یک متر و نیم افزایش داده‌اند. ساختمان به صورت یک نیم‌طبقه (با تراز حدوداً منفی دو متر) و طبقه همکف (با تراز حدود یک و نیم متر) ساخته می‌شود. این موضوع ارتباط ایوان با حیاط را بسیار محدود کرده است (تصاویر ۳ و ۵).

مادرها) با رده سنی ۴۰-۶۰ و خانواده‌های جوان که زن و شوهر در رده سنی زیر ۴۰ سال هستند و دارای یک یا دو فرزند هستند. این خانواده‌ها در پژوهش حاضر به ترتیب نسل اول، نسل دوم و نسل سوم نامیده شدند. الگوهای مسکن معاصر نیز در ادامه معرفی شده است.^۳

• مسکن میانی

در این الگوی مسکن که از سال ۱۳۲۱ مشمول قانون ۶۰ درصد سطح اشغال شده است حیاط از مرکز خانه به یک سمت کشیده شده است و معمولاً به واسطه یک فضای نیمه‌باز به نام ایوان به فضای بسته متصل است. در این خانه‌ها حیاط علاوه بر محل حضور افراد در برخی ساعات روز، محل پارک اتومبیل یا مسیر ورود آن به پارکینگ است. این گونه مسکن معمولاً به سلیقه و سفارش ساکنین ساخته می‌شود و علاوه بر رعایت قوانین شهرداری امکان زندگی نیمه‌سنتی را فراهم می‌کند. الگوی این خانه‌ها از اواخر پهلوی دوم شکل گرفت و تا امروز نیز با تغییرات محدودی هم‌چنان ساخته می‌شود. در نمونه اول این خانه‌ها که الگوی غالب دهه ۶۰ بوده است. با حذف حیاط مرکزی، لزوم وجود



تصویر ۳. الگوی مسکن میانی (سمت راست و وسط الگوی اولیه و سمت چپ الگوی اخیر مسکن میانی). مأخذ: نگارنده.

• مسکن جدید

در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده نبود (ibid.). این اشباع برای الگوی مسکن میانی با دوازده نمونه و برای الگوی مسکن جدید با ده نمونه حاصل شد (تصویر ۷).

تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌ها کدگذاری شدند و براساس مقوله‌های کلی که از مبانی نظری به دست آمد در جداولی دسته‌بندی شدند. سپس به صورت استقرایی، مفاهیمی از دل داده‌ها استخراج شدند. روش کدگذاری متن مصاحبه‌ها در جدول ۲ بیان شده است.

برای شناخت رفتارهای سازگاری، کدهای مرتبط با این موضوع از مصاحبه‌ها استخراج شدند. در جدول ۳، استراتژی سازگاری، موضوع مورد توجه ساکنان در انجام رفتارهای سازگاری مشخص شده است.

نتایج به دست آمده از جدول ۳ نشان می‌دهند که:

یکی از استراتژی‌های عمده ساکنین در ایجاد سازگاری، دخل و تصرف در فضا است. در مسکن جدید این دخل و تصرف اکثراً در قالب تغییر دادن، حذف یا اضافه کردن مبلمان غیر ثابت در فضا است (رفتارهایی مانند تغییر چیدمان مبلمان منزل، اضافه کردن گلدان و یا قاب عکس، حذف مبلمان جاگیر و ...). پس از آن تغییر سطوح داخلی (مثل تغییر کف‌سازی و کاغذدیواری و رنگ دیوارها) و دخل و تصرف در مبلمان ثابت فضا (مثل کمد و کابینت‌ها) فعالیت‌هایی است که بیش‌تر انجام می‌شوند؛ اما این دخل و تصرف در مسکن میانی بیش‌تر در قالب تغییراتی در پوسته ساختمان است (تغییراتی مثل حذف دیوار بین آشپزخانه و نشیمن، اتاق L و نشیمن تغییر مکان ورودی‌ها و ...). پس از پوسته ساختمان، بیش‌ترین دخل و تصرف‌ها به ترتیب در مبلمان غیر ثابت، سطوح داخلی و مبلمان ثابت فضا است. حتی در برخی از خانه‌های با الگوی میانی تغییرات و نوسازی در تأسیسات ساختمان نیز ایجاد شده است؛ بنابراین دخل و تصرف‌ها در مسکن میانی در لایه‌های عمیق‌تر ساختمان

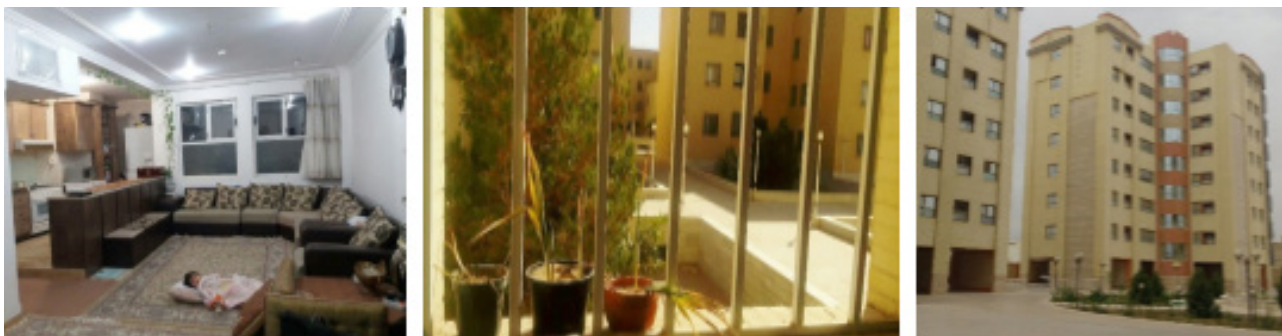
این الگو خانه‌های آپارتمانی و یا چندطبقه با فضای باز مشترک برای ساکنین را شامل می‌شود که امروزه در همه شهرها با الگوهای نسبتاً مشابه ساخته می‌شوند (تصاویر ۴ و ۵).

روش پژوهش

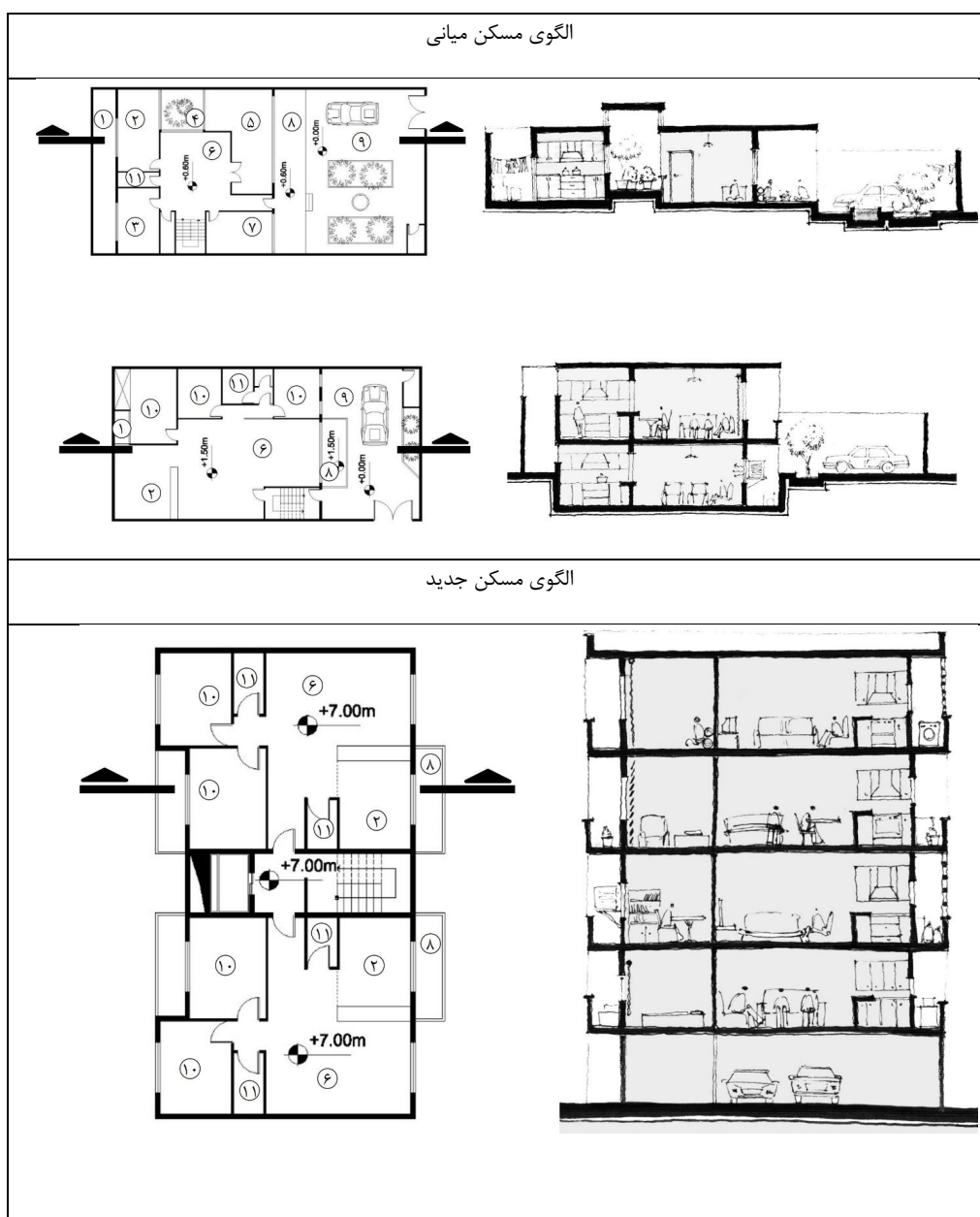
در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است و برای مشخص کردن مقوله‌های تحقیق از هر دو روش استقرایی و قیاسی استفاده شده است؛ چنان‌که مقوله‌های کلی از چارچوب نظری استخراج شدند سپس در مرحله تحلیل داده‌ها مقوله‌ها تصحیح شدند و مقوله‌های فرعی (زیرمقوله‌ها) به روش استقرایی و در چارچوب مقوله‌های کلی از داده‌ها استخراج شدند (تصویر ۶).

روش انتخاب نمونه‌ها

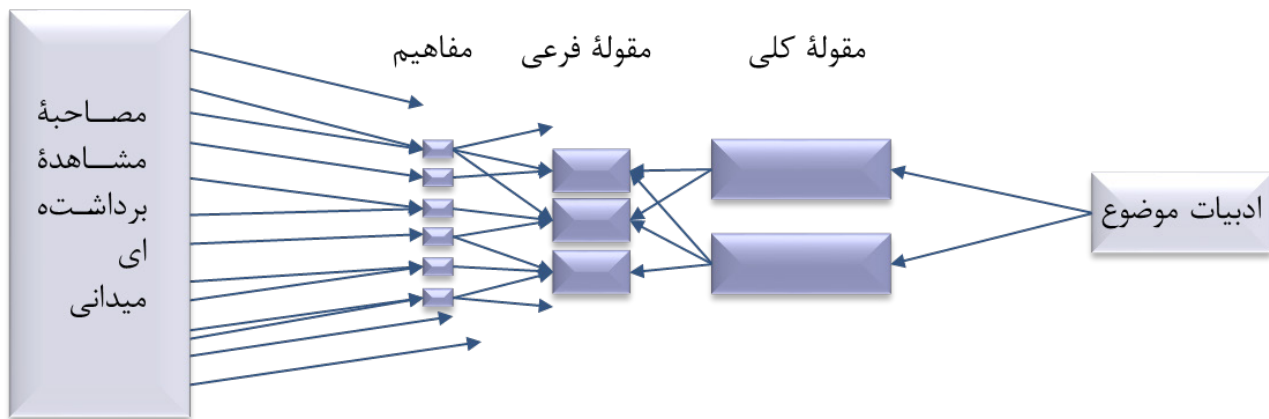
روش نمونه‌گیری هدفمند است و نمونه‌های با حداکثر تنوع براساس معیار و ملاک‌هایی که در مبانی نظری به دست آمد انتخاب شدند این معیارها عبارتند از این‌که مصاحبه‌شوندگان مالک مسکن خود باشند، امکان ارتباط مداوم با مصاحبه‌شوندگان و مشاهده فعالیت آن‌ها در محیط زندگی‌شان وجود داشته باشد و مصاحبه‌شوندگان اصالتاً یزدی باشند. طبقات بسیار فقیر و بسیار ثروتمند که معمولاً الگوی مسکن خاصی دارند نیز از جامعه آماری پژوهش حذف شدند. انتخاب نمونه‌ها به صورت تدریجی انجام شد و بسیاری از تصمیمات مربوط به انتخاب موارد نمونه در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها اتخاذ شد روشی که گلیزر و اشتراوس آن را نمونه‌گیری نظری می‌نامند (Glaser & Strauss, 1967). گردآوری داده‌ها تا زمانی‌که داده‌های اصلی به حد اشباع نظری رسیدند ادامه یافت؛ یعنی تا زمانی که مصاحبه‌ها، دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکردند و یا آن‌چه مطرح می‌شد



تصویر ۴. الگوی مسکن جدید. مأخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر ۵. الگوهای غالب مسکن معاصر یزد: ۱. حیاط خلوت (نورگیر)، ۲. آشپزخانه ۳. اتاق کنجی ۴. پاسیو، ۵. اتاق ایل (مهمان‌خانه)، ۶. هال و نشیمن، ۷. اتاق دمی (دم دری)، ۸. ایوان، ۹. حیاط، ۱۰. اتاق خواب، ۱۱. سرویس بهداشتی و حمام. مأخذ: نگارنده.

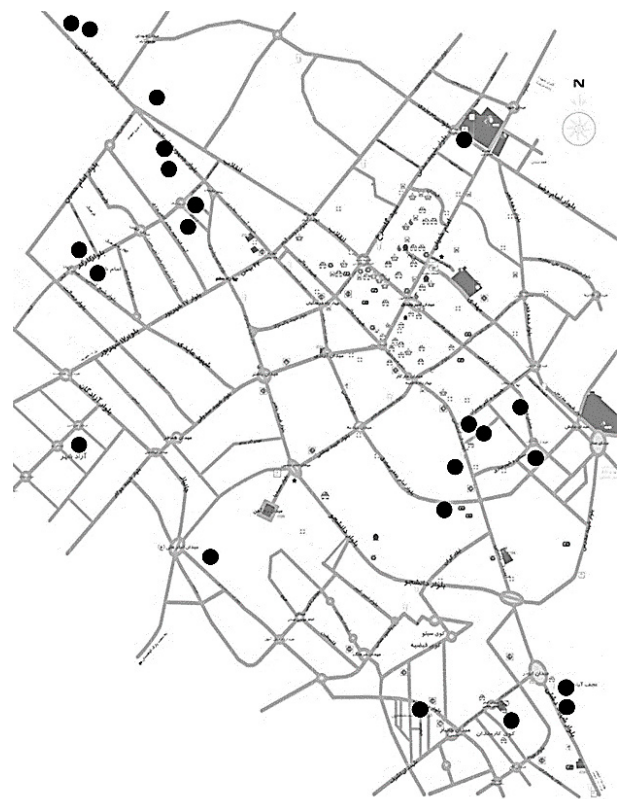


تصویر ۶. مراحل نظام مقوله‌های پژوهش به روش قیاسی و استقرایی. مأخذ: نگارنده.

نمی‌کند. در مسکن جدید پس از استراتژی دخیل و تصرف در فضا، نقل مکان و بی‌توجهی به فضا بیش‌تر دیده می‌شود. چنان‌که از ده نفر مصاحبه‌شده، هشت نفر معتقدند که قصد نقل مکان دارند. غالب ساکنین مسکن جدید که از نسل سوم و خانواده‌های جوان هستند در ذهن خود ایده‌آلی از مسکن دارند که خانه‌های حیاط دار با باغچه و حوض است و تنها عاملی که نمی‌توانند فعلاً در آن خانه‌ها زندگی کنند را مسائل مادی می‌دانند. آن‌ها از جملاتی مثل «به محض این‌که پول دستم بیاد میرم به یه خونه حیاط دار، قراره از اینجا بریم، این خون ارزش تغییر نداره» و یا «ترجیح میدم برم به یه خونه حیاط دار و بزرگ‌تر، یه جای بهتر، در کل آپارتمان‌نشینی رو دوست ندارم» زیاد استفاده می‌کنند. مسکن جدید حتی در نوع ایده‌آل خود برای ساکنانش یک مسکن موقت است که به دلیل محدودیت‌های مادی فعلاً در آن زندگی می‌کنند. این موضوع بر شیوه سازگاری آن‌ها با فضا تأثیر می‌گذارد چراکه به صورت فعال برای تغییر مسکن خود یا تغییر نحوه استفاده از فضاها تلاش نمی‌کنند و نسبت به فضاها بی‌توجه می‌شوند و یا به برخی از نیازهای خود بی‌توجهی می‌کنند و یا به نقل مکان فکر می‌کنند مسکن نیز آن‌قدر غیرمنعطف است که تلاش ساکنین برای ایجاد سازگاری چندان اثری ندارد. چنان‌که یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «میز ناهار خوریمو فروختم و یه میز سه نفره خریدم که فضای هال بیش‌تر بشه اما خیلی فایده نداشت، جای مبلامو عوض کردم که خونم دلبازتر بشه اما نشد، خواستم ماشین لباسشویی رو از توی بالکن بیارم داخل آشپرخونه که بالکن بزرگ‌تر بشه اما نشد. هرکاری کردم که خونم بهتر بشه فایده نداشت».

در مورد انگیزه‌ها و دلایلی که ساکنین را به تقلا برای ایجاد سازگاری وادار می‌کند، نتایج نشان می‌دهند که:

در مسکن میانی اصلی‌ترین دلیل، تحولات خانواده در گذر زمان است در این نوع مسکن اکثراً خانواده‌های نسل اول و دوم زندگی می‌کنند و بسیاری از آن‌ها ۳۰-۴۰ سال



تصویر ۷. نقشه پراکندگی نمونه‌ها. مأخذ: نگارنده.

انجام شده است؛ اما در مسکن جدید این تغییرات سطحی‌تر هستند در مسکن میانی پس از دخیل و تصرف، استراتژی تغییر نحوه استفاده از فضاها بیش‌تر دیده می‌شود که از اصلی‌ترین عوامل آن تحولات ساختار خانواده، تغییر فصول و مراسم‌های مختلف خانوادگی است. تغییر نحوه استفاده از فضاها در مسکن جدید چندان دیده نمی‌شود و ساکنین از فضاها به صورت تک‌عملکردی استفاده می‌کنند. البته ویژگی‌های کالبدی و فضایی مسکن میانی نیز امکان تنوع در عملکرد فضاها را فراهم آورده است، اما ویژگی‌های کالبدی و فضایی مسکن جدید امکان تنوع در استفاده از فضاها را فراهم

جدول ۲. راهنمای کدگذاری گزاره‌ها. مأخذ: نگارنده.

نوع مسکن		مصاحبه شماره	نسل خانواده			جنسیت مصاحبه‌شونده		روش جمع‌آوری داده‌ها		نسل فرد مصاحبه‌شونده		
A	H		۱	۲	۳	M	F	I	O	۱	۲	۳
مسکن جدید	مسکن میانی	...,X1,2,3	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	زن	مرد	مصاحبه	مشاهده	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم

جدول ۳. استخراج مفاهیم از استراتژی‌های سازگاری. مأخذ: نگارنده.

نوع رفتار سازگاری	موضوع مورد توجه در انجام رفتار سازگاری	گزاره استخراج شده	کد
دخل و تصرف در فضا	زیبایی طبیعت نور روز	برای بهتر شدن و زیباتر شدن فضای خانه، پرده و لوستر و تعدادی گلدان گل طبیعی اضافه کردم.	A۱۳FI۳
دخل و تصرف در فضا	نیاز کاربردی	کابینت‌ها هم با سلیقه ساکنین و بعد از خرید خانه اضافه شده است.	O-A۱۳
نقل مکان	الگوی مسکن مساحت فضا	قصد نقل مکان داریم، می‌خواهیم به یک خانه حیاطدار و بزرگ نقل مکان کنیم.	A۱۳FI۳
بی‌توجهی به فضا	کیفیت فضا ویژگی کالبدی فضا مساحت فضا	بالکن بی‌اهمیت‌ترین فضا است. خیلی کاری باهاش ندارم. چون هم قناس هست، هم کوچک، همیشه هم باد و خاک میشه و کثیفه.	A۱۳FI۳
تغییر رفتارها	مساحت فضا	فضای خانه خیلی کوچک است و زیاد امکان مهمانی گرفتن نداریم. معمولاً خارج از خانه مهمانی می‌گیریم، داخل رستوران و پارک.	A۱۳FI۳
دخل و تصرف در فضا	محرمیت نیاز کاربردی روابط فضا	ورودی خانه خوب نیست جا برای کفش‌ها ندارد و در که باز می‌شود تا انتهای خانه دیده می‌شود. یک جاکفشی گذاشتم دم ورودی برای کفش‌ها اما آخرش فضا آن‌طور که دلم می‌خواست نشد.	A۲۳FI۳
بی‌توجهی به فضا	مساحت فضا	بالکن کوچیکه و پر از وسیله هست (کولر، بند رخت، لباس‌شویی و ...) بخوام بهش اهمیت بدم هم نمیشه. خیلی بی‌فایده هست. حتی جا نیست که برم داخلش.	A۲۳FI۳
دخل و تصرف در فضا	زیبایی	کف‌سازی خانه را تغییر دادیم و دیوارهای را کاغذدیواری کردیم تا خونمان قشنگ‌تر بشه.	A۲۳FI۳
دخل و تصرف در فضا	مساحت فضا	میز ناهارخوری جلو این رو جمع کردم که فضا بازتر بشه.	A۲۳FI۳
دخل و تصرف در فضا	مساحت فضا زیبایی طبیعت	چند تا گلدون و قاب عکس از طبیعت اضافه کردم که فضا بهتر بشه. مبلمان هم چند بار جابه‌جا کردیم که فضا بزرگ‌تر بشه و قشنگ‌تر.	A۲۳FI۳
نقل مکان	کیفیت فضا، مساحت فضا الگوی مسکن	این خونه دیواراش کثیف شده ابعادش کوچیکه ترجیح میدیم سریع‌تر از این‌جا به یه خونه حیاطدار بریم.	A۲۳FI۳
بی‌توجهی به فضا	مساحت فضا	بالکن خیلی کوچیکه و کولر و ماشین لباسشویی داخلش هست. تمیز کردنش سخته، اگر بزرگ‌تر بود بهتر بود. اگه ماشین لباسشویی‌ام اونجا نبود اصلاً نمی‌رفتم توش.	A۲۳FI۳
دخل و تصرف در فضا	نیاز کاربردی	کابینت رو بعد از این‌جا که این‌جا رو خریدیم به سلیقه خودمان زدیم.	A۲۳FI۳

کد	گزاره استخراج شده	موضوع مورد توجه در انجام رفتار سازگاری	نوع رفتار سازگاری
۸۳۳FI۳	میز ناهارخوری، بوفه و میز آئینه شمعدان رو از توی هال برداشتیم که ابعاد هال بزرگ تر بشه.	مساحت فضا	دخل و تصرف در فضا
۰-۸۳۳	برای افزایش کیفیت فضا گلدان های گل طبیعی و آکواریم به فضا اضافه شده است.	طبیعت	دخل و تصرف در فضا
۸۳۳FI۳	داریم یه خونه حیاطدار می سازیم و قصد داریم به اون جا نقل مکان کنیم.	الگوی مسکن	نقل مکان
۸۴۳FI۳	دوست دارم برم به یه خونه بزرگ تر و حیاطدار که نزدیک خونه مادرم باشه.	مساحت فضا الگوی مسکن موقعیت مسکن	نقل مکان
۸۴۳FI۳	تا حالا چندبار مبلمان خونه رو جابه جا کردیم که فضای خونمون بهتر بشه و تنوع ایجاد بشه.	کیفیت فضا تنوع	دخل و تصرف در فضا
۸۴۳FI۳	کاغذدیواری و کابینت رو بعد از این که خونه رو خریدیم به سلیقه خودمون درست کردیم و به نظرم خونمون رو شیک تر کرده.	کیفیت فضا نیاز کاربردی	دخل و تصرف در فضا
۰۳-۸۴۳	داخل فضای نشیمن و بالکن ها تعداد زیادی گلدان گذاشته شده است و تابلوهای بزرگی از گل و طبیعت به دیوار نشیمن زده شدند.	طبیعت	دخل و تصرف در فضا
۸۵۳FI۳	تمام تخت های داخل اتاق ها را تاشو کردیم تا بتونیم بیش تر از فضاها استفاده کنیم الان فضاها مون چند عملکردی شدن. مثلا وقتی داریم اتاق خوابمان همیشه اتاق تعویض لباس مهمان.	مساحت فضا نیاز کاربردی	دخل و تصرف در فضا
۸۵۳FI۳	خیلی از مبلمان مثل بوفه و کتابخانه رو حذف کردیم چون خیلی جاگیر بودن.	مساحت فضا	دخل و تصرف در فضا
۸۵۳FI۳	گل طبیعی و یه تعداد لوستر با لامپ های پرنور گذاشتیم و ستون وسط خونه رو روش سنگ تزئینی کار کردیم.	زیبایی طبیعت نور	دخل و تصرف در فضا
۸۶۳FI۳	از وقتی اومدیم توی این خونه فقط یه کم دکور خونه رو عوض کردیم، من دیزاین داخل خونه برام مهمه که قشنگ باشه اما جزء تغییر مبلمان کار خاص دیگه ای نمیشه کرد.	زیبایی	دخل و تصرف در فضا
۸۶۳FI۳	ترجیح میدم برم به یه خونه حیاطدار و بزرگ تر، یه جای بهتر، در کل آپارتمان نشینی رو دوست ندارم.	کیفیت فضا مساحت فضا الگوی مسکن	نقل مکان
۸۷۳FI۳	حمام و سرویس داخل اتاق رو تبدیل کردیم به کمد و داخل راهرو کمد درست کردیم برای لباس و جاکفشی.	نیازهای کاربردی	دخل و تصرف در فضا
۰-۸۷۳	جلو تراس تلق گذاشتند برای این که از بیرون دید نداشته باشه.	محرمیت	دخل و تصرف در فضا
۸۷۳FI۳	دوست دارم به یه خونه بزرگ تر نقل مکان کنم.	مساحت فضا	نقل مکان
۸۸۳FI۳	خودمون زمین خریدیم و داریم یه خونه حیاطدار و بزرگ تر می سازیم و قراره از این جا بریم.	مساحت فضا الگوی خانه طراحی و ساخت به سلیقه خود ساکن	نقل مکان
۸۸۳FI۳	از وقتی اومدیم توی خونه، تعدادی کمد دیواری ساختیم.	نیاز کاربردی	دخل و تصرف در فضا
	همه بالکن ها رو جلوش پنجره زدیم هم به خاطر امنیت بچه و هم به خاطر این که از فضاش استفاده کنیم و گردو خاک نیاد توش.	نیاز کاربردی مساحت فضا امنیت	دخل و تصرف در فضا
۸۸۳FI۳	کاغذدیواری و کناف هم خودمان انجام دادیم که فضا رو زیباتر کرد.	زیبایی	دخل و تصرف در فضا
۸۹۳FI۳	بهار خواب خیلی فضای بی اهمیتیته. یه تعداد گلدون توش گذاشتم و نصفشم کولر هست و دیگه جا برای چیزی نداره، حتی جا برای لباس پهن کردن هم نداره.	مساحت فضا	بی توجهی به فضا

کد	گزاره استخراج شده	موضوع مورد توجه در انجام رفتار سازگاری	نوع رفتار سازگاری
A۹۳FI۳	از وقتی اومدیم توی خونه کم‌دیواری رو قفسه زدیم و چراغا رو عوض کردیم و لوستر و پرده زدیم.	نیاز کاربردی نور	دخل و تصرف در فضا
A۹۳FI۳	چند تا گلدون گذاشتم و مبلمان خونه رو عوض کردم و خونه بهتر شد و یه آکواریوم هم گذاشتیم که خیلی آرامش میده بهمون.	طبیعت آرامش، کیفیت فضا	دخل و تصرف در فضا
A۹۳FI۳	به محض این‌که پول دستان بیاد از این‌جا میریم. دوست دارم برم به یه خونه حیاطدار.	الگوی خانه	نقل مکان
A۱۰۳FI۳	یه تعداد گلدون گذاشتم و هی جای مبلامو عوض می‌کنم که فضا متنوع بشه.	طبیعت تنوع فضا	دخل و تصرف در فضا
A۱۰۳FI۳	سقف رو کناف کردیم و دیوارها رو کاغذدیواری و فضای خونه شیک‌تر شد.	زیبایی	دخل و تصرف در فضا
H۱۲MI۳	باغچه و کف‌سازی داخل حیاط رو عوض کردیم و مدل سنتی درست کردیم. آجر خشتی و کاشی آبی و ...	الگوی حیاط	دخل و تصرف در فضا
H۱۲MI۳	وقتی اومدیم خونه نیمه‌ساز بود و ما کاملش کردیم، سرامیک و نرده لب بام و تکمیل داخل زیرزمین.	تکمیل بنا	دخل و تصرف در فضا
H۱۲MI۳	تا حالا چندبار مبلمان خونه رو عوض کردیم. مادرم خیلی علاقه به تغییر مبلمان داره یه عالمه خرت‌وپرت اینور اونور میذاره و میگه این‌جوری خونه شیک‌تر میشه.	شیک‌بودن	دخل و تصرف در فضا
H۱۲MI۳	من دوست دارم از این‌جا برم به یه جای بهتر. این‌جا رو دوست ندارم. اما پدر و مادرم این خونه رو دوست دارند و قصد نقل مکان ندارند.	علاقه به مسکن	نقل مکان
H۲۲FI۲	اتاق خواب نور کمی داره و نسره ازش فقط به‌عنوان انبار استفاده می‌کنم و شب‌ها توی حال می‌خوابم.	نور روز و گرما	تغییر نحوه استفاده از فضا
H۲۲FI۲	توی پله‌هام گلدون گذاشتم و گلدونای توی پاسیو رو زیاد کردم که فضا باحال‌تر بشه.	طبیعت	دخل و تصرف در فضا
H۳۲FI۲	خونمون فقط یه اتاق خواب داره و مجبوریم شب‌ها هر کدوم یه گوشه حال بخوابیم فقط پسر بزرگم توی اتاق می‌خوابه.	مساحت فضا	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H۳۲FI۲	خونه رو فروختیم و داریم نقل مکان می‌کنیم چون می‌خواستیم بریم شهرستان زندگی کنیم و توی یه خونه بزرگ‌تر.	مساحت فضا موقعیت مسکن	نقل مکان
H۴۱FI۳	وقتی خواهرها عروس شدند اتاق‌های خواب طبقه بالا بدون استفاده موند و تبدیل به فضایی مثل انبار شد فقط اگر یه زمانی شب بمانند این‌جا می‌خوابند.	تحولات خانواده	تغییر در نحوه استفاده از فضا
H۴۱FI۳	پذیرایی خانواده فضای دنجی هست اما گرمایش و سرمایش خوبی ندارد به همین دلیل خیلی استفاده نمی‌شود اما اگر خانه شلوغ باشد از آن فضا هم استفاده می‌شود.	سرمایش و گرمایش / میزان شلوغی خانه	تغییر در نحوه استفاده از فضا
H۴۱FI۳	عصرهای تابستان داخل تراس می‌نشینیم و زمستان‌ها داخل اتاق	تغییر نیاز با تغییر فصول	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H۴۱FI۳	وقتی توی خونه عروسی یا روزه باشه کل فضاها یه‌جور دیگه استفاده میشن. طبقه پایین که فضای کار منه همه مبلمان‌ش جمع میشه و به‌عنوان مردانه استفاده میشه و طبقه بالا به‌عنوان زنانه، اتاق‌ها هم فضای تعویض لباس.	مراسم‌های جمعی	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H۴۱FI۳	سن پدر و مادر زیاد شده و بالا رفتن از پله‌های حیاط براشون سخته واسه همین از پله‌های پارکینگ که موکت داره و ارتفاعش کم‌تر هست استفاده می‌کنند.	تغییر نیاز با افزایش سن	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H۴۱FI۳	واسه دل‌باز شدن خونه دیوار بین اتاق و نشیمن رو حذف کردیم.	دل‌بازی	دخل و تصرف در فضا
H۴۱FI۳	مبلمان فضا رو تغییر دادم و تونستم یه فضای دنج برای خودم درست کنم.	ایجاد قلمرو شخصی	دخل و تصرف در فضا

کد	گزاره استخراج شده	موضوع مورد توجه در انجام رفتار سازگاری	نوع رفتار سازگاری
H41FI3	قصد نقل مکان داریم چون این جا از مرکز شهر خیلی دوره ما به خاطر نزدیکی به مادر بزرگم اومدیم این جا اما الان مادر بزرگم پیش ما زندگی می کند و می تونیم بریم به جای دیگه شهر.	موقعیت مسکن تحولات خانواده	نقل مکان
H52FI3	بعد از ۱۲-۱۳ سال یه اتاق به خونه اضافه کردیم چون من و خواهرم بزرگ شده بودیم و نیاز به فضای جدا داشتیم.	تحولات خانواده	دخل و تصرف در فضا
H52FI3	جای ورودی آشپزخانه رو تغییر دادیم که ارتباط بهتری با نشیمن داشته باشه.	روابط فضا	دخل و تصرف در فضا
H52FI3	چون کابینتا و کف سازی کهنه شده بودند عوضشون کردیم.	نوسازی	دخل و تصرف در فضا
H52FI3	پرده ها مبلمان رو بارها عوض کردیم و جدید کردیم.	نوسازی	دخل و تصرف در فضا
H52FI3	چون تعداد کتابهامون زیاد شد کتابخانه های خیلی بزرگ اضافه کردیم.	نیاز کاربردی	دخل و تصرف در فضا
H52FI3	یه سری لوازم قدیمی پدر بزرگ و مادر بزرگ هامون رو از زیر زمین آوردیم و چیدیم اطراف خونه که خیلی برامون حس خوبی داره.	خاطره سازی	دخل و تصرف در فضا
H52FI3	یه سری از باغچه ها رو پر کردیم که جای پارک ماشین تأمین بشه.	نیاز کاربردی	دخل و تصرف در فضا
H52FI3	الان که سن پدر و مادر زیاد شده اختلاف ارتفاع های زیاد داخل خونه براشون مناسب نیست، اما این اختلاف ارتفاع ها رو دوست دارند و فعلاً سعی کردند با این مشکل کنار بیان. چون هم براشون نکته مثبت و هم منفی.	علاقه به فضا	کم کردن اهمیت نیازها
H61FI3	قبلاً توی آشپزخانه و پشت میز غذا می خوردیم اما الان که همه خواهرام ازدواج کردن و جمعیتمون زیاد شده توی هال سفره پهن می کنیم.	تحولات خانواده	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H61FI3	تراس خیلی استفاده نمیشه چون از توی کوچه دید داره و گاهی توش لباس پهن می کنیم. کار دیگه ای بهش نداریم. بیش تر وقت ها درش قفله.	محرمیت	بی توجهی به فضا
H61FI3	مبلمان خونه و تابلوهایی که به دیوار زدیم فضای خونه رو خیلی مطلوب تر کرده.	کیفیت فضا	دخل و تصرف در فضا
H61FI3	یه سری نیازها داریم که این خونه نتونسته تأمین کنه اما انقدر این جا رو دوست داریم که باهاش کنار اومدیم. فراموشش نکردیم اما شاید اولویتش رو آوردیم پایین تر.	علاقه به مسکن	کم کردن اهمیت نیازها
H71FI1	زمستونا داخل اتاق سمت حیاط می خوابیم چون خیلی گرمه تابستونا توی هال چون نسره.	تغییر نیاز با تغییر فصول	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H81FI1	عروسم طبقه پایین زندگی می کنه و چون جاشون کمه اتاق پذیرایی منم دست اوناس اما اگر مهمانی، عروسی یا مراسم پرجمعیتی باشه در فضا رو باز می کنیم و ازش استفاده می کنیم.	مراسم های جمعی	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H81FI1	تابستونا توی حیاط می خوابیم، بهار و پاییز توی هال می خوابیم و زمستونا توی اتاق کنجی که خیلی گرمه.	تغییر نیاز با تغییر فصول	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H81FI1	نور خونه کمه و من لامپ های پر نور زدم که خونه روشن تر بشه. این اتاق خیلی گرم بود و پنکه زدم.	نور سرمایه	دخل و تصرف در فضا
H91MI1	اگر عروسی باشه اتاق کنجی که واسه قالی بافی هست و اتاق دخترم میشه اتاق تعویض لباس و تمام خونه رو صندلی می چینیم برای مهمونا.	مراسم های جمعی	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H91FI3	تابستونا میام توی اتاق دم در چون کولر داره و زمستونا میرم توی اتاق کنجی چون بخاری داره.	تغییر نیاز با تغییر فصول	تغییر نحوه استفاده از فضاها

کد	گزاره استخراج شده	موضوع مورد توجه در انجام رفتار سازگاری	نوع رفتار سازگاری
H91MI3	دیوار بین هال و پذیرایی رو برداشتیم تا فضا بزرگ و دلپاز بشه.	مساحت فضا دلپازی فضا	دخل و تصرف در فضا
H91MI3	ورودی زیرزمین از داخل خانه بود و دوست نداشتیم و حذفش کردیم و یه ورودی از توی حیاط درست کردیم.	روابط فضا	دخل و تصرف در فضا
H102FI2	موقع ساخت نقشه رو تغییر دادیم، اتاق رو پاسیو کردیم که خونه نور بیش تری داشته باشه و ورودی حمام رو جاشو عوض کردیم که تو دید نباشه.	روابط فضا، محرمیت نور روز	دخل و تصرف در فضا
H102FI2	درهای اتاق L و پاسیو رو برداشتیم و آشپزخونه رو اپن کردیم که فضا دلپاز تر بشه، ارتباط فضاها بیش تر بشه و هال و پذیرایی یه تیکه و بزرگ بشه.	دلپازی روابط فضا مساحت فضا	دخل و تصرف در فضا
H102FI2	خونه رو تعمیر کردیم و سنگ کف حیاط رو نو کردیم و درها رو عوض کردیم.	نوسازی	دخل و تصرف در فضا
H111FI3	اتاقی که کنار حیاط بود رو وصل هال کردیم که پرنور تر بشه.	نور روز	دخل و تصرف در فضا
H111FI3	زیرزمین قبلاً انباری بود اما الان داریم مسکونیش می کنیم که برادرم بعد از ازدواج بیاد طبقه پایین.	تحولات خانواده	دخل و تصرف در فضا
H111FI3	حیاط خلوت پشت آشپزخانه رو سقف زدیم و به عنوان انباری ازش استفاده می کنیم.	نیاز کاربردی	دخل و تصرف در فضا
H111FI3	یه اتاق داریم که سیستم گرمایش نداره هرکدام موقع درس خواندن واسه کنکور ازش استفاده می کردیم و الان که ازدواج کردیم انباری شده.	تحولات خانواده	تغییر نحوه استفاده از فضاها
H121FI3	دو سال پیش پذیرایی رو به اتاق L وصل کردن چون جمعیت زیاد شده بود و جا نبود برای دورهم نشستن.	تحولات خانواده مساحت فضا	دخل و تصرف در فضا

فضا دلپاز تر بشه، ارتباط فضاها بیش تر بشه و هال و پذیرایی یه تیکه و بزرگ بشه».

در مسکن میانی، تغییر فصول از دیگر عواملی است که موجب تقلا برای ایجاد سازگاری از طریق استراتژی تغییر نحوه استفاده از فضاها شده است. در این نوع مسکن، خانواده‌هایی که تجربه سکونت در مسکن سنتی را دارند در تابستان در ایوان خانه دور هم جمع می شوند، شب‌ها بر روی ایوان می خوابند و زمستان‌ها گرم‌ترین اتاق خانه را برای استراحت و دور هم نشستن انتخاب می کنند. قلمروهای رفتاری ساکنین مسکن میانی بسیار سیال است حتی در غالب موارد مطالعه شد، افراد خانواده اتاق مجزا ندارند و استفاده از فضاها متناسب با فصل و موقعیت‌های مختلف تغییر می کند.

در مسکن جدید اصلی ترین دلیلی که ساکنین را به تقلا برای سازگاری وادار می کند، الگوی مسکن است. آن‌ها ترجیح می دهند به یک خانه با الگوی مسکن میانی نقل مکان کنند؛ اما پس از الگوی مسکن، موضوع بعدی که ساکنین را به تقلا واداشته مساحت فضاها یا خانه است؛ اتاق خواب، نشیمن، آشپزخانه و تراس‌ها در این خانه‌ها بسیار کوچک هستند.

است که در خانه‌هایشان ساکن هستند؛ در طول این مدت فرزندی به خانواده اضافه شده‌اند، بزرگ شده، ازدواج کرده و پدر و مادر سال خورده شده‌اند. با زیاد شدن فرزندان اتاق‌هایی به خانه اضافه شده است و یا شیوه استفاده از برخی فضاها تغییر کرده است. چنان‌که یکی از ساکنین می گوید: «بعد از ۱۲-۱۳ سال یه اتاق به خونه اضافه کردیم چون من و خواهرم بزرگ شده بودیم و نیاز به فضای جدا داشتیم» و یا ساکن دیگر می گوید «سن پدر و مادر زیاد شده و بالا رفتن از پله‌های حیاط برایشون سخته واسه همین از پله‌های پارکینگ که موکت داره و ارتفاعش کم تر هست استفاده می کنند». پس از موضوع تحولات خانواده، بسیاری از استراتژی‌های سازگاری در جهت تغییر مساحت فضای هال و نشیمن بوده است که اکثراً به صورت حذف تیغه‌هایی بین هال و اتاق L و یا حذف تیغه بین هال و اتاق خواب دیده می شود. ساکنین مسکن میانی فضای نشیمن بزرگ و مستطیل شکل و یکپارچه را می پسندند و معتقدند برای میهمانی و روضه‌خوانی و مراسم‌های مختلف بسیار مناسب است. چنان‌که یکی از ساکنین بیان می کنند. «درهای بین اتاق L و پاسیو رو برداشتیم و آشپزخانه رو اپن کردیم که

اصلی نقل مکان نکردن از خانه را وابستگی به همسایگان می‌دانند. برای مثال یکی از ساکنین خانه‌های میانی بیان می‌کند: «اگر هم مجبور بشم از این خونه نقل مکان کنم می‌خوام خونه بعدیم توی همین محله و کوچه باشه. این‌جا با همه آشنا هستم». این موضوع در خانواده‌های نسل اول و برخی از خانواده‌های نسل دوم بیشتر دیده می‌شود. برای آن‌ها مرزهای خانه تا چند خانه آن طرف‌تر و حتی کل محله ادامه دارد و در بیان ویژگی‌های خانه بسیار به همسایگان اشاره می‌کنند، اما نسل سوم بیشتر به ویژگی‌های داخلی مسکن خود اشاره می‌کنند و محدوده خانه برای آن‌ها مرزهای فیزیکی خانه خودشان است. حتی بسیاری از آن‌ها همسایه‌نداشتن و یا داشتن همسایه‌هایی که کاری به کار بقیه ندارند و به قولی سرشان در لاک خودشان هست را از ویژگی‌های مثبت خانه خود می‌دانند.

سن افراد هم از موضوعات مهمی است که بر استراتژی‌های سازگاری تأثیر می‌گذارد نتایج نشان می‌دهد، نسل اول و دوم که سن بیشتری دارند تمایل کم‌تری به نقل مکان دارند. آن‌ها آشنا بودن با محله و همسایگان را از ویژگی‌های بسیار مثبت محل زندگی خود می‌دانند و تمایلی برای تغییر محل زندگی ندارند. در این زمینه مطالعات لین نیز نشان می‌دهد که برای افراد سالمند، خانه مکان خاطرات، تجربیات، وابستگی‌ها، بیان هویت فردی و در کل یک بیوگرافی از زندگی فرد است (Lien, 2013, 36)؛ بنابراین سالمندان مسکنی را که در آن عمر خود را گذرانده‌اند ترجیح می‌دهند و نسبت به آن دل‌بستگی و رابطه احساسی دارند (Greenfield & Russell, 2011; Wagnild, 2001; Wahl & Lang, 2003; Lien, 2013, 37). آن‌ها حتی در صورت وجود ناسازگاری با مسکن امکان دارد شرایط نامناسب مسکن و ناسازگاری‌ها را تحمل کنند و تلاشی برای نقل مکان نکنند (Helderman, Mulder, Clara & Ham, 2004; De Groot, Mulder & Manting, 2011; Fattah, Salleh, Badarulzaman & Ali, 2015).

مشارکت در فرایند ساخت یک نکته بسیار مثبت برای ساکنین تلقی می‌شود. یکی از ساکنین بیان می‌کند که: «این‌جا رو به سلیقه خودمان ساختیم، یه سری نیازها داریم که این خونه نتوانسته تأمین کنه اما انقدر این‌جا رو دوست داریم که باهانش کنار اومدیم و اصلاً به فروش فکر نمی‌کنیم». ایده‌آل بسیاری از آپارتمان‌نشینان نیز خرید زمین و ساخت خانه توسط خودشان است. افرادی که خود در فرایند ساخت مشارکت داشته‌اند، وابستگی بیشتری نسبت به مسکن خود دارند و ترک آن برایشان سخت‌تر است یکی از ساکنین می‌گوید: «این‌جا رو خیلی دوست دارم آخه سختی ساختشو کشیدم، دوست ندارم به نقل مکان فکر

استراتژی ساکنین برای سازگاری با این شرایط، نقل مکان به یک خانه بزرگ‌تر، حذف وسایل زائد و یا بی‌توجهی به فضا است. در واقع دلایل اصلی که موجب ناراضی ساکنین از مسکن جدید شده است جزء با نقل مکان قابل حل شدن نیست.

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش موردی نشان می‌دهد عوامل زیر بر استراتژی‌های سازگاری تأثیر دارند: مدت‌زمان اقامت در مسکن: نتایج نشان می‌دهند که هرچه مدت اقامت در مسکن بیشتر باشد نقل مکان کردن از آن برای ساکنین دشوارتر است زیرا افرادی که مدت‌زمان بیشتری در مسکن خود زندگی می‌کنند خاطرات بیشتر، روابط محکم‌تری با همسایگان و وابستگی بیشتر به خانه‌های خود دارند. در نمونه‌های مطالعه‌شده، مدت اقامت برای مسکن میانی تا چهل سال هم می‌رسید اما در نمونه‌های مسکن جدید مدت‌زمان اقامت زیر ده سال بود. خاطره: ساکنین مسکن میانی خانه‌های خود را پر از خاطره می‌دانند. این خاطرات، تولد فرزندان، مراسم‌های مختلف، عقدها و عروسی‌هایی که در خانه برگزار شده است. آن‌ها معتقدند که مراسم‌های مختلف باید در خانه برگزار شود که خاطره بسازد یکی از ساکنین می‌گوید: «مهمانی توی خونه رو دوست دارم، باعث میشه برام خاطره ساخته بشه، مثلاً عقد دخترم توی خونه بود، مولودی‌هایی که داشتیم، توی خونه هیاهو میشه. اصلاً خشیش این هست که تو خونه بریزی و بپاشی و دور هم باشی». خیلی از این افراد به خاطر خاطره‌ها حاضر نیستند هیچ‌وقت از مسکن خود نقل مکان کنند. این خاطره‌ها در مسکن جدید خیلی کم هستند زمانی که از ساکنین این خانه‌ها در مورد خاطره‌های آن‌ها از مسکن‌شان پرسیدیم فقط برخی از آن‌ها به چند مورد اشاره کردند و بقیه بیان کردند که خاطره خاصی در ذهن ندارند. دلیل خاطره کم این افراد از مسکن خود این است که مدت اقامت ساکنین در این نوع مسکن کم و معمولاً زیر هشت سال است و در این مدت محدود، خاطرات کم‌تری نیز شکل می‌گیرند. علاوه بر آن بسیاری از فعالیت‌ها و مراسم‌های آن‌ها مثل مهمانی تولد و سالگرد ازدواج خارج از خانه انجام می‌شود. در این نوع مسکن که غالباً خانواده‌های نسل سوم زندگی می‌کنند، مادران شاغل هستند و فرزندان معمولاً در مهدکودک و خانه مادر بزرگ بزرگ می‌شوند و خانواده تنها عصر و شب برای استراحت در خانه حضور دارند. این موضوعات مسکن جدید را خالی از خاطرات کرده است.

روابط با همسایگان: افرادی که سال‌ها در یک محله زندگی می‌کنند با همسایگان، گروه‌های دوستی تشکیل می‌دهند. این ارتباط گاهی آن قدر زیاد است که برخی از مصاحبه‌شوندگان همسایگان را اقوام خود می‌دانند؛ و دلیل

طرح به شیوه‌ای باشد که زمینه سازگاری ساکن و مسکن را به صورت دوطرفه فراهم آورد زیرا در صورتی که قابلیت‌های فیزیکی مسکن امکان سازگارشدن با کاربر را نداشته باشد کاربر ناچار است مسکن را ترک کند و یا همواره خود را با مسکن سازگار کند، بنابراین مجبور به تغییر رفتارها و هنجارهای خود می‌شود که در طولانی مدت چندان مطلوب نخواهد بود و آسیب‌های روانی و اجتماعی به همراه خواهد داشت. توجه به این موضوع مستلزم شناخت شکل زندگی ساکن در برش‌های زمانی مختلف از چرخه زندگی او از کودکی تا بزرگسالی و فراهم کردن قابلیت‌های فضا به صورتی است که مسکن در هر مرحله از زندگی ساکن با توجه به نیازهای او امکان کشف و شهود و مکالمه با فضا را فراهم آورد.

عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت

۱. Housing Adjustment
۲. Change of attitude
۳. Affective reaction

فهرست منابع

- بحرینی، سید حسین. (۱۳۹۱). تئوری شکل شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عینی‌فر، علی‌رضا. (۱۳۹۵). آفرینش نظریه معماری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Altaş, N. E. & Özsoy, A. (1998). Spatial adaptability and flexibility as parameters of user satisfaction for quality housing. *Building and Environment*, 33 (5), 315-323.
- Amani, R., Etemadi, O., Fatehizadeh, M. & Bahrami, F. (2012). The Relationship of Attachment Styles and Social Adjustment. *CPAP*, 2 (6), 15-26
- Ann Lodi, K. & Raedene Combs, E. (1989). Housing Adjustments of Rural Households: Decisions and Consequences. *Housing and Society*, 16 (3), 13-22.
- Baum, S. & Hassan, R. (1999). Home owners, Home renovation and Residential Mobility. *Journal of Sociology*, 35 (1), 109-117.
- Brown, J. & Moore, E. (1970). The Intra-Urban Migration Process: A Perspective. *Geografiska Annler Series B*, 52 (1), 1-13.
- Campbell-Sills, L., Cohan, S. & Stein, M. (2005). Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. *Behaviour, Research and Therapy*,

کنم». ساکنانی که در فرایند ساخت خانه خود مشارکت داشته‌اند ابا فضا مکالمه دوطرفه برقرار می‌کنند. آن‌ها اغلب استراتژی‌هایی نظیر دخل و تصرف در فضا و تغییرات رفتار و نحوه استفاده از فضا را برای ایجاد سازگاری برمی‌گزینند. غالب ساکنان مسکن میانی، خود در فرایند طراحی و ساخت خانه مشارکت داشته‌اند، اما ساکنین مسکن جدید معمولاً به دلیل محدودیت‌های مالی این نوع مسکن را انتخاب کرده‌اند و مشارکتی هم در فرایند ساخت آن نداشته‌اند؛ بنابراین چندان هم به مسکن خود وابسته نیستند و برای ایجاد یک سازگاری موقت استراتژی‌هایی نظیر بی‌توجهی به نیازها، بی‌توجهی به فضا و نقل مکان را برمی‌گزینند.

الگوی مسکن: مسکن میانی کالبد منعطف‌تری دارد و به ساکنین اجازه دخل و تصرف بیشتری می‌دهد، علاوه بر آن تنوع فضاها به صورتی است که ساکن می‌تواند از فضاها به صورت چندعملکردی استفاده کند و با توجه به نیاز خود نحوه استفاده از فضاها را تغییر دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در مورد شیوه سازگاری ساکن و مسکن معاصر یزد نشان می‌دهد در مسکن میانی که غالباً محل سکونت خانواده نسل اول و دوم است، یک آشتی دوسویه میان ساکن و مسکن وجود دارد. در این الگوی مسکن، افراد شیوه‌های فعال را برای ایجاد سازگاری میان خود و مسکن انتخاب می‌کنند، آن‌ها در لایه‌های مختلف مسکن دخل و تصرف می‌کنند و یا رفتار خود در فضا و نحوه استفاده از فضاها را تغییر می‌دهند و استراتژی‌هایی مثل بی‌توجهی به فضاها، نقل مکان، بی‌توجهی به نیازها کم‌تر دیده می‌شود. در مسکن جدید که غالباً محل زندگی خانواده‌های جوان و نسل سوم است. یک بی‌تفاوتی و حتی قهر دوسویه برقرار است؛ و ساکنین برای ایجاد سازگاری یا مسکن استراتژی‌های منفعلی نظیر ایجاد تغییراتی محدود در لایه‌های داخلی و مبلمان مسکن، بی‌توجهی به فضا و یا نقل مکان را اتخاذ می‌کنند.

توجه به مفهوم سازگاری و چارچوب نظری ارائه‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی محیط مطلوب برای زندگی، فراتر از طراحی فیزیکی و عملکردی است و طراح مسکن باید بداند، برای کسانی طراحی می‌کند که در ارتباط با مسکن خود منفعل نیستند بلکه کاملاً فعال با محیط خود در حال مبادله هستند. آن‌ها بر مسکن تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند و در واقع همیشه در تلاش برای ایجاد سازگاری با مسکن خود هستند. تقلا و تلاش برای ایجاد سازگاری یکی از نشانه‌های بقای انسان و موجب شکل‌گیری تعامل ساکن و مسکن است، اما لازم است ساختار فیزیکی

- (1974). *An Introduction to Environmental Psychology*. Holt: Rinehart and Winston.
- Jusan, M. (2010). Means End Chain, Person Environment Congruence And Mass Housing Design. *Open House International*, 35 (3), 76-86.
 - Jusan, M. & Sulaiman, A. B. (2005). Personalization as a sustainable approach to mass housing conference proceeding of Sustainable Building South East Asia. *Conducted by University of Technology Malaysia Institutional Repository*, 11-13.
 - Kahana, E. (1982). A congruence model of person-environments interaction. in P.G. Windley and T.O Byerts, F.G. Ernst (Ed), *Theory development in environment and aging*. Washington: Wiley.
 - Lang, J. (2007). *Creating Architectural Theory*. New York: Van Nostrand Reinhold.
 - Lawton, M. & Nahemow, L. (1973). *Ecology and the aging process in C Eisdorfer and M P Lawton (eds.) Psychology of adult development and aging*. Washington, DC: American Psychological Association.
 - Lien, L. L. (2013). *Person-Environment Fit and Adaptation: Exploring the Interaction between Person and Environment in Older Age*. United States: Unpublished doctoral dissertation Oregon state university.
 - Lynch, K. (1981). *Good city form. Massachusetts Institute of technology*. Massachusetts institute of Technology. Retrieved from <http://www.amazon.co.uk/Good-City-Form-K-Lynch/dp/0262620464>
 - Moore, K. D. (2005). Using Place Rules and Affect to Understand Environmental Fit: A Theoretical Exploration. *Environment and Behavior*, 37 (3), 330-363.
 - Morris, E. W. & Winter, M. (1975). A Theory of Family Housing Adjustment. *Journal of Marriage and Family*, 37 (1), 79-88.
 - Mridha, M. (2015). Living in an apartment. *Journal of Environmental Psychology*, 43, 42-54.
 - Musiol, A. & Boehnke, K. (2013). Person-Environment Value Congruence and Satisfaction with Life. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3 (9), 57-65.
 - Omar, E. O., Endut, E. & Saruwono, M. (2012). Personalisation of the Home. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 49, 328-340.
 - Parrott, K. (1985). *Critical factors affecting consumer satisfaction with the home remodeling process*. Unpublished doctoral dissertation. Lincoln: University of Nebraska.
 - Pickvance, C. (1973). Lifecycle, housing tenure and intra-urban mobility: a causal model. *The Sociological Review*, (1973), 29-50.
 - Popenoe, D. (1977). *The Suburban Environment: Sweden and*
 - 44 (4), 585-599.
 - Crull, S. R., Bode, M. E. & Morris, E. W. (1991). Two tests of the housing adjustment model of residential mobility. *Housing and Society*, 18 (3), 53-64.
 - De Groot, C., Mulder C. H. & Manting, D. (2011). Intentions to move and actual moving behaviour in the etherlands. *Housing studies*, 26 (3), 307- 328
 - Eichner, M. M. (1986). *A model of household housing adjustment: confronting analytical issues*. Unpublished doctoral dissertation. Ames: Iowa State University. <https://doi.org/10.31274/rtd-180813-5769>
 - Fattah, H. A., Salleh, A. G., Badarulzaman, N. & Ali, K. (2015). Factors Affecting Residential Mobility among Households in Penang, Malaysia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 170, 516-526. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.01.077>
 - Ferreira, F., Gyorko, J. & Tracy, J. (2010). Housing busts and household mobility. *Journal of Urban Economics*, 68 (1), 34-45.
 - Festinger, L. (1962). *A Theory of Cognitive Dissonance*, Stanford. CA: Stanford University Press.
 - Fleury-bahi, G., Felonneau, M. L. & Marchand, D. (2008). Processes of Place. *Environment and Behavior*, 40 (5), 669-682. <https://doi.org/10.1177/0013916507307461>
 - French, J. R. P., Rodgers, W. & Cobb, S. (1974). Adjustment as person-environment fit. In G. V. Coelho, D. A. Hamburg, & J. E. Adams (Eds.), *Coping and adaptation*. New York: Basic Books.
 - Galster, G. C. & Hesser, G. W. (1981). Residential Satisfaction. *Environment and Behavior*, 13 (6), 735-758.
 - Gati, I., Fassa, N. & Mayer, Y. (1998). An Aspect-Based Approach to Person-Environment Fit: A Comparison between the Aspect Structure Derived from Characteristics of Occupations and That Derived from Counselors Preferences. *Journal of Vocational Behavior*, 53 (1998), 28.
 - Glaser, B. G. & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative research*. New York: Aldine.
 - Greenfield, E. A. & Russell, D. (2011). Identifying living arrangements that heighten risk for loneliness in later life: evidence from the U.S. national social life, health, and aging project [J]. *Journal of Applied Gerontology*, 30 (4), 524-534.
 - Helderma, A., Mulder, C., Clara H., & Ham, M. V. (2004). The changing effect of home ownership on residential mobility in the Netherlands, 1980-98. *Housing Studies*, 19 (4), 601-616.
 - Holland, J. L. (1997). *Making vocational choices: A theory of vocational personalities and work environments* (3rd ed.). Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
 - Ittelson, W. H., Proshansky, H., Rivlin, L. & Winkel, G.

the United States. Chicago: The University of Chicago Press.

- Priemus, H. (1986). Housing As a Social Adaptation Process: A Conceptual Scheme. *Environment and Behavior*, 18 (1), 31–52.
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K. & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3 (1), 57–83.
- Riemer, S. (1943). *Sociological Theory Of Home Adjustment*. *American Sociological Review*, 8 (3), 272–278.
- Rossi, P. (1955). *Why Families Move: A Study in the Social Psychology of Urban Residential Mobility* Glencoe. Glencoe: The Free Press.
- Shin, J. (2016). Toward a theory of environmental satisfaction and human comfort: A process-oriented and contextually sensitive theoretical framework. *Journal of Environmental Psychology*, 45, 11–21.
- Spokane, A. R., Meir, E. I. & Catalano, M. (2000). Person–Environment Congruence and Holland’s Theory: A Review and Reconsideration. *Journal of Vocational Behavior*, 57 (2), 137–187.
- Steggell, C. D., Binder, S. K., Davidson, L. A., Vega, P. R., Hutton, E. D. & Rodecap, A. R. (2003). *Exploring Theories of Human Behavior in Housing Research*. *Housing and Society*, 30 (1), 3–32.
- Tavassoli, M. (2022). *Urban structure and architecture in the hot arid Zone of Iran*. Tehran: payam.
- Tinsley, H. E. A. (2000). The Congruence Myth: An Analysis of the Efficacy of the Person–Environment Fit Model. *Journal of Vocational Behavior*, 56 (2), 147–179.
- Wagnild, G. (2001). Growing old at home. *Journal of Housing for the Eldery*, 14 (1/2), 71-84.
- Wahl, H. W. & Lang, F. R. (2003). *Aging in context across the adult life course*. *Integrating physical and social environmental research*. 23(1).
- Wicker, A. W. (1984). *An introduction to ecological psychology*. London: Cambridge University Press.
- Winkel, G., Saegert, S. & Evans, G. W. (2009). An ecological perspective on theory, methods, and analysis in environmental psychology: Advances and challenges. *Journal of Environmental Psychology*, 29 (3), 318–328.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
فلاح، الهام. (۱۴۰۲). تبیین مدل فرایندمحور سازگاری ساکن و مسکن (مطالعه موردی: مسکن معاصر یزد). باغ نظر، ۲۰(۱۲۸)، ۳۹–۵۶.

DOI:10.22034/BAGH.2023.381529.5323
URL:https://www.bagh-sj.com/article_184503.html

